

عنوان مقاله:

واکاوی بنیان های ادبی و فلسفی در اپراهای واگنر

محل انتشار:

مجله هنرهای زیبا: هنرهای نمایشی و موسیقی، دوره 23، شماره 1 (سال: 1397)

تعداد صفحات اصل مقاله: 10

نویسندگان:

محسن نورانی - کارشناس ارشد آهنگ سازی، پردیس هنرهای زیبا، دانشگاه تهران، تهران، ایران

احمد رضا اسماعیلی - کارشناس ارشد آهنگ سازی، پردیس هنرهای زیبا، دانشگاه تهران، تهران، ایران

خلاصه مقاله:

هدف از نگارش این مطالعه جستاری درباره بنیانهای ادبی و فلسفی اپراهای واگنر است. اهمیت پرداختن به موضوع این مطالعه در این است که اپراهای واگنر شاخصترین آثار موسیقایی ویاند. برای دستیابی به چرایی و چگونگی بهره‌گیری واگنر از عناصر گوناگون موسیقایی، ناگزیر به مطالعه مواردی هستیم که شالوده‌های اندیشگی این هنرمند را شکل داده‌اند. در این مطالعه از الگوهای همزمانی و در زمانی در زندگی موسیقایی واگنر استفاده شده است. در این الگوها ادبیات و فلسفه از اهم مواردی هستند که به طور خاص در کنار موارد فراوان دیگر، همچون سیاست و مذهب نوع نگرش و پایه‌های جهانی‌ی واگنر را بنیان نهاده‌اند. همچنین، از این رهگذار است که میتوان ابداعات بیبدیل موسیقایی او را نظیر خلق و استفاده از لایتموتیف، خطوط آوازی، هارمونی بدیع، تنوع ارکستراسیون، و حتی اندیشه و ساخت تالار مخصوص برای اجرای اپراهای سترگش را بیشتر درک کرد و دریافت که وی برای رسیدن به آرمانهای ذهنی و نمایش دغدغههای فلسفی و زیباشناسانه خویش چگونه به ساختارشکنی در اغلب عناصر موسیقی اپرایی دست زده است. بدون شک، در این راه نقش افراد مهمی همچون شوپنهاور و نیچه در فلسفه، هاینه در ادبیات، و یوهان سباستیان باخ و بتهوون در حوزه موسیقی را نمیتوان نادیده انگاشت.

کلمات کلیدی:

اپرا، ادبیات نمایشی، اسطوره، فلسفه، واگنر

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1775060>

